

سخنرانی دکتر خرازی در نشست دوم گفتگوی ایران و عرب

دوحه، ۶ خرداد ۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای عادل عبدالمهدی نخست وزیر محترم اسبق عراق

جناب آقای شیخ حمد بن ثامر آل ثانی، رئیس محترم شبکه رسانه‌ای الجزیره؛

جناب آقای عبدالعزیز حمد العویشق، معاون دبیرکل GCC در امور سیاسی

جناب آقای محمد المختار الخلیل رئیس محترم موسسه دراسات الجزیره؛

عالیجنابان؛

خانم ها و آقایان؛

خوشوقتم که برای دومین بار در جلسه افتتاحیه نشست گفتگوی ایران و عرب در دوحه صحبت می‌کنم. این نشست به ابتکار مشترک شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و موسسه الدراسات الجزیره قطر در زمانی برگزار می‌شود که روابط بین‌الملل و به تبع آن روابط بین کشورهای منطقه در حال تحول است. امیدوارم این نشست که با هدف رسیدن به درکی مشترک درباره چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط بین ایرانیان و اعراب، به ویژه در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، صورت می‌پذیرد، با توفیق روبرو باشد. از میزبانی و میهمان‌نوازی گرم موسسه الدراسات الجزیره و ترتیبات مناسبی که دولت محترم قطر برای برگزاری این نشست فراهم ساخته است، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

حضار محترم؛

سال گذشته در دور اول همین نشست اینجانب ابراز داشتم که جمهوری اسلامی ایران اهمیت بسیار زیادی برای عربستان سعودی به عنوان یکی از کشورهای بزرگ منطقه و جهان اسلام، که میزبان قبله‌گاه مسلمانان و حرمین شریفین می‌باشد، قائل است؛ ایران و عربستان نمی‌توانند نگاه حذفی به یکدیگر داشته باشند و به عنوان دو قدرت اصلی منطقه، باید مکمل ظرفیت‌های هم برای تامین صلح و ثبات و توسعه منطقه باشند.

اکنون خوشحالم که با تصمیم رهبران دو کشور، مسیر عادی‌سازی روابط ایران و عربستان در جریان است و سفارتخانه‌های دو کشور به زودی در تهران و ریاض بازگشایی خواهند شد. در همین فاصله، امارات و کویت با ارتقای مجدد روابط، سفرای جدید خود را تعیین و به تهران اعزام کردند. روابط ایران با قطر، عمان و عراق نیز در مسیر پرشتاب خود همچنان ادامه دارد و جالب آنکه، عراق و عمان نقش سازنده‌ای در بازگشایی روابط ایران و عربستان داشتند و قطر و عمان در پیش‌برد مذاکرات برجام، گفتگو با آمریکا برای آزادسازی دارایی‌های ایران و مبادله زندانیان، نقش برجسته‌ای دارند. سفر اعلیحضرت هیثم بن طارق پادشاه عمان به تهران که فردا و همزمان با نشست ما در دوحه صورت می‌گیرد، نشانه دیگری از روابط به سرعت رو به رشد ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد.

دوستان عزیز؛

در دو دهه گذشته، ما شاهد حوادث و تحولات زیادی در این منطقه بوده‌ایم، از جمله مداخله آمریکا برای تغییر حکومت عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه به بهانه ترویج دموکراسی که فلیپ گوردون، هماهنگ کننده امور خاورمیانه شورای امنیت ملی آمریکا در دوران اوباما آنرا در کتاب اخیر خود: «شکست در بازی طولانی: نوید دروغین تغییر رژیم در خاورمیانه» به خوبی توضیح داده است؛ اشاعه افراط‌گرایی مذهبی و تشکیل داعش در عراق و سوریه، جنگ ویرانگر و بی حاصل سوریه و یمن؛ تغییر اولویت ژئواستراتژیک آمریکا از منطقه خاورمیانه به خاور دور؛ تلاش چین برای پرکردن خلاء ایجاد شده و پیگیری پروژه کمربند-جاده و توسعه روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه؛ شکست سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران و تأثیر جنگ اوکراین بر این منطقه، از جمله گسترش روابط اقتصادی روسیه با کشورهای حوزه خلیج فارس و ایجاد کریدورهای جدید حمل و نقل جنوب به شمال.

از سوی دیگر، توان مبارزین فلسطین و حزب الله در رویارویی و محاصره اسرائیل افزایش یافته، بی ثباتی، ناامنی، نارضایتی در داخل اسرائیل گسترش یافته و مهاجرت منفی شدت گرفته است؛ حقایقی که توسط مقامات اسرائیلی، رسانه های گروهی و اتاق های فکر اسرائیل مرتبا ابراز می‌شود. به طوری که طبق نظرسنجی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، ۶۴ درصد مردم، نگران تهدیدات اجتماعی داخلی اسرائیل هستند، چنین شرایطی، رژیم اسرائیل را بر آن داشته است تا برای خروج از بن بست داخلی و محاصره خارجی توسط نیروهای مقاومت، برای عادی سازی روابط خود با کشورهای عربی التماس کند.

حضار محترم؛

خوشبختانه رهبران منطقه با توجه به این تحولات هوشمندی خود را در اتخاذ سیاستی مستقل، مبتنی بر تعادل چندقطبی در راستای منافع کشور خود نشان داده‌اند که به صورت توسعه روابط اقتصادی با چین و روسیه و حل و فصل اختلافات، بازگشایی روابط سیاسی، بازگشت سفرا و توسعه روابط اقتصادی با سایر کشورهای منطقه از جمله ایران، عراق و سوریه تجلی یافته است. این تحولات نشانه بلوغ و هوشمندی کشورهای منطقه در بهره‌برداری از تحولات بین‌المللی به نفع کشور خود و منطقه تلقی می‌شود.

به هر حال، زمان آن فرارسیده است که به افق‌های بلندتری در منطقه بیندیشیم. بحران اقتصادی و امنیتی در اروپا و آمریکا به دلیل جنگ اوکراین، ظهور فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی، نقش آفرینی بیشتر چین و موفقیت جمهوری اسلامی ایران در توسعه صنایع نظامی و غیرنظامی و فناوری‌های نوین، از جمله فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای بدون کمک دیگران، نظام بین‌الملل را در مسیر تحولات پیچیده‌ای قرار داده است، به طوری که جهان امروز در حال گذر به یک نظم نوین است. اگرچه هنوز نمی‌توان با قاطعیت در مورد ویژگی‌های این نظم جدید قضاوت کرد، اما مسلم است که شکل‌های منطقه‌ای، در نظم نوین جهانی جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت، و بسته به قدرت، توانمندی، اتحاد و میزان استقلالی که از خود نشان خواهند داد، از بازیگران و کنشگران اصلی نظم جدید خواهند بود.

بنابراین، نیاز امروز ما ظهور یک «منطقه قوی» متشکل از «بازیگران قوی» است. امنیت و اقتصاد ما، نه فقط مستلزم قوی بودن هر یک از ما، بلکه نیازمند قوی بودن کل این منطقه است. در یک منطقه قوی، امنیت دسته جمعی برقرار و رشد و توسعه اقتصادی محقق می‌شود. برای تحقق این هدف، یعنی رسیدن به یک «منطقه قوی»، باید تلاشی جمعی برای کاهش تنش صورت پذیرد، همکاری جای رقابت را بگیرد، اعتماد جایگزین ترس و تردید شود، و اختلافات از طریق گفتگو و تعامل، حل و فصل گردند. در یک کلام، ما به «همکاری منطقه‌ای» نیاز داریم تا علاوه بر تامین امنیت، رفاه و پیشرفت کل منطقه، در سطح بین‌المللی نیز بازیگری فعال و اثرگذار باشیم و جایگاه منطقه خود را در تصمیمات بین‌المللی تثبیت کنیم.

پیشنهاد اینجانب به رهبران منطقه، حرکت در جهت یک «منطقه قوی» است، و گام اول در این مسیر که خوشبختانه آغاز شده است، حل و فصل اختلافات از طریق گفتگو است. اختلاف یک امر طبیعی است که در صورت مدیریت صحیح حتی می‌تواند به فرصت تبدیل شود. خوشبختانه، کشورهای این منطقه از ثروت خدادادی فراوان، نیروی انسانی هوشمند، اشتراکات دینی، تاریخی، فرهنگی و محیط زیستی مشابه برخوردارند و به رغم تفاوت از

نظر نوع حکومت، اولویت‌ها، راهبردها، نگرانی‌ها و چالش‌ها، می‌توانند در راستای منافع جمعی خود گام بردارند که البته لازمه آن گفتگوی برادرانه ولی صریح، همکاری در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی، نشان دادن اعتدال و تسامح و تصمیم برای تشکیل یک سازوکار امنیت جمعی برای این منطقه، بدون حضور بیگانگان است، زیرا «امنیت» و «توسعه» مفاهیمی پیوسته و غیرقابل تفکیک هستند.

خوشبختانه اخیراً دبیرکل سازمان ملل براساس وظیفه‌ای که بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل برعهده وی گذاشته است، تلاش‌هایی را در این زمینه آغاز کرده است. ایران نیز در گذشته با ارائه طرح صلح هرمز (HOPE) آمادگی خود را برای مشارکت در یک سازوکار امنیت منطقه‌ای، بدون حضور بیگانگان اعلام داشته است.

عالیجنابان، خانم‌ها و آقایان؛

در ادامه سخن علاقمندم به چند مسئله محوری به طور گذرا پردازم:

۱) جمهوری اسلامی ایران امنیت در خلیج فارس، و در هر یک از کشورهای آن را امنیت خود می‌داند و خود را به تامین امنیت و ثبات این منطقه، از جمله امنیت خطوط کشتیرانی، متعهد می‌داند. مخالفت ما با حضور نیروهای خارجی، به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی، از آن جهت است که این حضور، برخلاف تصور، عامل بی‌ثباتی منطقه است. آیا حضور گسترده آمریکا در طول چند دهه گذشته و حتی تاسیس پایگاه‌های نظامی متعدد آنها در منطقه، منجر به ثبات منطقه شده یا برعکس، افزایش تنش و حتی جنگ را در منطقه به دنبال داشته است؟ تاریخ راهنمای خوبی است. اینجانب به همه دلسوزان منطقه انذار می‌دهم که حضور رژیم آپارتاید اسرائیل در منطقه خلیج فارس، نه تنها امنیت نمی‌آورد، بلکه آینده خطرناکی را برای منطقه رقم خواهد زد.

۲) ما از تحولات اخیر در یمن استقبال می‌کنیم. خوشحال هستیم که به جای توسل به قدرت نظامی، مسیر گفتگو برای حل مسایل یمن انتخاب شده و نتایج مثبتی را در مبادله اسرا و ارسال کمک‌های انسانی در پی داشته است. پایان منازعه و تشکیل دولتی مبتنی بر خواست و اراده مردم یمن، موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای بروز این جنگ بوده است. به اعتقاد اینجانب همه کشورهای منطقه باید برای رسیدن به این اهداف و تضمین صلح پایدار در یمن، کمک کنند.

۳) جمهوری اسلامی ایران بازگشت سوریه به جهان عرب را به فال نیک می‌گیرد. سوریه همواره از کشورهای مهم و اثرگذار در منطقه غرب آسیا بوده است. تبادلات سیاسی اخیر بین سوریه و دیگر کشورهای عربی به خصوص عربستان، حرکتی در مسیر درست است و امیدواریم به همکاری‌های اقتصادی و بازسازی

خرابی‌های ناشی از جنگ در آن کشور، منجر گردد. ما همچنین از گفتگوهای اخیر بین سوریه و ترکیه که با وساطت و همکاری ایران و روسیه صورت گرفت، استقبال می‌کنیم. حفظ حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی سوریه اهمیت بنیادین دارد و امیدواریم با خروج تمامی نیروهای خارجی از خاک سوریه محقق شود.

۴) و بالاخره فلسطین، این قلب تپنده جهان اسلام، همچنان موضوع اول و نگرانی اصلی همه ماست. مبارزه جوانان فلسطینی علیه اشغالگران در کرانه باختری رو به گسترش است و بدون تردید کشتارهای بیرحمانه ارتش صهیونیستی، که در آن حتی زنان و کودکان نیز در امان نیستند، و جنایات اخیر آن رژیم در کشتار مردم غزه، نمی‌تواند در صفوف مقاومت یکپارچه مبارزان فلسطینی خللی ایجاد نماید. حمله به خانه‌های بی‌دفاع مردم تنها نشان دهنده ضعف و انفعال رژیم آپارتاید و عجز آن در مقابله با جوانان فلسطینی است. تلاش برخی کشورهای منطقه برای برقراری آتش بس قابل تقدیر است، اما مقابله با جنایات رژیم آپارتاید اسرائیل و دفاع از حقوق فلسطینیان، تنها از طریق مقاومت، امکان پذیر است. راه حل نهایی قضیه فلسطین، از نظر ما منطبق با ارزش‌های مردمسالارانه است، و آن تشکیل یک نظام واحد سیاسی از طریق همه‌پرسی از همه ساکنان اصلی فلسطین، از جمله آوارگان فلسطینی، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه یهودی است. جالب توجه آنکه طبق نظرسنجی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، ۴۶ درصد در مقابل ۳۵ درصد از اسرائیلی‌ها ترجیح می‌دهند که حکومتی دموکراتیک، با حقوق سیاسی برابر برای همه، به جای حکومت اکثریت یهودی داشته باشند.

در انتها، مجدداً از مؤسسه الدراسات الجزیره برای برپایی این نشست، و از دولت قطر برای اهتمام به توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران، قدردانی می‌کنم و امیدوارم بحث‌های دو روز آینده به درک درستی از مسائل و چالش‌های فی‌مابین ایران و جهان عرب منجر شود و نتایج مبارکی را در قالب ایده‌هایی برای «منطقه قوی» در بر داشته باشد.

از توجه شما متشکرم.